توسعه نئوبانک رویکردی نوین برای حل چالش توسعه بانکی در مناطق آزاد

دکتر هادی قوامی[[1]](#footnote-1) فاطمه گریوانی[[2]](#footnote-2)

تاریخ ارسال: ۱۰/۱۰/۱۴۰۱

چکیده:

بانك‌ها در زمینه تسهیل خدمات مالی در مناطق آزاد نقش بسیار مهم و حیاتي دارند، زیرا وجود آن‌ها در اين مناطق براي جذب سرمایه‌گذاران خارجي بسیار مهم و اساسي است. به دلیل اینکه کلیه معاملات و مراودات تجاري از طريق سیستم بانكي كشور صورت می‌گیرد، لازم است بانك مركزي با تسهیل مقررات بانكي جاري در مناطق آزاد و نیز اتخاذ تصمیمات راهبردي روشن و قابل حصول، زمینه را براي سرمايه‌گذاري بانك‌ها و ارائه خدمات متنوع بانكي فراهم كند. بنابراين، به نظر می‌رسد با تسهیل در امور بانكي در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، از يك طرف موجبات حمايت از صادركنندگان كالا و خدمات به نحو مطلوب فراهم شود و از طرف ديگر، باعث رشد سرمايه‌گذاري‌ها به مقدار مناسب بر روي امكانات و تأسیسات اصلي منطقه می‌شود. با این وجود یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در مناطق آزاد نبود شبکه بانکی منطبق با استانداردهای جهانی و لذا عدم امكان برقراري ارتباط بانكي سهل و آسان و همچنین نبود بانك‌ها، صندوق‌ها و ساير نهادهاي مالي به اندازه کافی و لازم است. همان‌گونه که اشاره شد اساسی‌ترین دلیل این شرایط، محدودیت‌های سرزمین اصلی در جهت مطابقت بانک‌ها با بانکداری اسلامی و قوانین کشور است. برای رفع این چالش لازم است تا بانك مركزي علاوه بر ثبات قوانین و مقررات پولي، بانكي در مناطق آزاد، با رعايت ضوابط پولي و بانكي مناطق آزاد، زمینه لازم برای ایجاد و توسعه نئوبانک‌ها منطبق با استانداردهای جهانی جهت ارائه خدمات مالی در مناطق آزاد فراهم نماید.

واژه‌های کلیدی: نئوبانک، مناطق آزاد تجاری، دیجیتال، ایران

طبقه‌بندی JEL: G21, G32, F21

۱. مقدمه

با توجه به اینکه کانال‌ها و ارتباطات آنلاین در هر نوع ارتباطی در حال افزایش است و مشتریان در بازارهای مالی انتظار دارند که بانک‌ها ویژگی‌های نوآورانه‌تری داشته باشند تا علاوه بر بهبود عملکرد، تناسب بیشتری نیز با سبک زندگی فردی آن‌ها داشته باشند (آلت و پانچمن[[3]](#footnote-3)، 2012). این عوامل، تغییر ظاهری نیروها را در محیط موسسه خدمات مالی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. آلت و پانچمن (2012) معتقدند که بخش بانکداری به عنوان یک تجارت خدماتی بسیار مستعد تغییرات اساسی توسط فناوری است. به دلیل اینکه موانع ورود به صنعت بانکداری برای مدت طولانی بسیار بالا بوده و به‌ویژه به دلیل اینکه بانک‌های سنتی از مزیت‌های سرمایه، پایگاه مشتریان تثبیت‌شده و شبکه‌های مرتبط سود می‌برند، دسترسی به بازار مالی برای تازه‌واردها دشوار است و تا زمانی، دنیای بدون بانک‌های سنتی تقریباً غیرقابل‌تصور بود (PwC، 2016b). با این وجود به نظر می‌رسد این صنعت مغلوب تحولات تکنولوژی و نیازهای نوین مشتریان می‌گردد.

بحران مالی سال 2008 موجب شد تا نحوه انجام امورات بانکداری و همچنین نحوه مقررات‌گذاری آن به‌طور اساسی و بنیادی تغییر یابد. در واقع این بحران راه را برای نوظهوران فناوری مالی (فین‌تک‌ها) باز کرد تا خدمات مالی را با فناوری‌های نوآورانه و مدل‌های تجاری خود بهبود بخشند (جیانگ گشکه[[4]](#footnote-4)، 2019). به موجب این رویداد اقتصادی مهم و ترکیب آن با فناوری‌های پیچیده‌تر، ارتباط و در هم تنیدگی فین‌تک‌ها افزایش یافت. این شرایط موجی از نوآوری‌های مالی را موجب شد که عمدتاً توسط استارت‌آپ‌های فین‌تک با ابزارهای تخصصی، دیجیتالی و محصولات ویژه توسعه یافتند. فناوری مالی پایه و اساس تحولات اخیر و جنبش دیجیتالی شدن در صنعت بانکداری را می‌سازد. دیجیتالی شدن به عنوان کاربرد فناوری اطلاعات برای بهبود محصولات و فرآیندها می‌باشد. دیجیتالی شدن را می‌توان به عنوان تجلی فین‌تک در بخش بانکداری در نظر گرفت و جزء ضروری آن دانست زیرا بانکداری یک صنعت اطلاعات‌محور[[5]](#footnote-5) است، که در آن نوآوری‌ها در بخش فناوری اطلاعات روی می‌دهد (کمیته سیستم مالی جهانی[[6]](#footnote-6)، 2018). در نتیجه این دگرگونی‌ها، گونه جدیدی از بانک‌ها تحت عنوان «نئوبانک‌ها» به وجود آمدند که محصولات مالی را از طریق ابزارهای دیجیتال ارائه می‌دهند و خدمات بانکی را بدون شبکه شعب ارائه می‌دهند.

این نوع از بانک‌ها قابلیت‌های فراوانی در ارائه خدمات بانکی دارا می‌باشند که می‌تواند به عنوان رویکردی در حل چالش شبکه بانکی در مناطق آزاد تجاری کشور مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

1-2. نئوبانک

آرنر[[7]](#footnote-7) و همکاران (2015) بر این عقیده‌اند که خدمات مالی به یک «صنعت دیجیتال» تبدیل شده است. آن‌ها تکامل فین‌تک را در سه مرحله توصیف می‌کنند که بیانگر چگونگی تغییر و تحول نوآوری مالی در طول زمان از ارائه‌دهندگان زیرساخت‌های بزرگ به بانک‌ها به فین‌تک است (وارگا[[8]](#footnote-8)، 2018). در مرحله اول، فناوری مدرن و پیشرفت در زیرساخت‌های ارتباطی، امکان ایجاد یک سیستم بانکی به هم پیوسته جهانی را فراهم کرد. «فین‌تک 1» توسط ارائه‌دهندگان زیرساخت‌های بزرگ در دوره 1866 تا 1987 توسعه یافت و پایه و اساس سیستم بانکی شناخته شده را نهاده است (آرنر و همکاران، 2016). در مرحله دوم، بانکداری سنتی به بلوغ رسید. در «فین‌تک 2»، که از سال 1987 آغاز شد و تا زمانی که بحران مالی در سال 2008 تحقق یافت ادامه داشت، بانک‌ها به‌طور فزاینده‌ای زیرساخت‌های فناوری اطلاعات را تطبیق دادند و پیشنهادات دیجیتالی خود را بهبود بخشیدند، که می‌توان آن را سرآغاز بانکداری مدرن دانست. علی‌رغم نوآوری‌های دیجیتالی در بخش خدمات مالی که کارایی و نفوذ بانک‌ها را بهبود بخشید، مدیران هنوز به مدل‌های کسب‌وکار قدیمی، شیوه‌های سنتی و شبکه‌های شعب گسترده خود متکی بودند. (همان، 2016). با شروع مرحله سوم در سال 2008، مرحله فعلی نوآوری مالی با نام «فین‌تک 3» عینیت یافت. اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران، بحران مالی 2008 را به عنوان کاتالیزور برای ظهور نوع جدید شرکت‌های فین‌تک و افزایش سرعت تحول در بخش خدمات مالی می‌دانند (Alt & Puschmann, 2012؛ Medici Team, 2019؛ PwC, 2016a.) و همچنین با خلاصه کردن روند تکامل فین‌تک‌ها، می‌توان گفت بحران مالی در سال 2008 یک نقطه عطف بزرگ برای صنعت بانکداری بوده است ولی یکی از عوامل اصلی این تغییرات، پیشرفت‌های اساسی در فناوری می‌باشد. زیرا، ظهور فین‌تک بر قدرت تحول‌آفرین فناوری اطلاعات جدید (IT) استوار است. درحالی‌که اکثر فین‌تک‌های اولیه معمولاً یک حوزه خاص را در محدوده خدمات مالی هدف قرار می‌دادند، فین‌تک‌هایی نیز وجود دارند که محصولات و خدمات متعددی همچون نئوبانک‌ها را در کنار هم قرار می‌دهند. این بانک‌های دیجیتالی جدید، ویژگی‌های متعددی را که معمولاً توسط بانک‌ها ارائه می‌شوند را ترکیب می‌کنند. در واقع، آن‌ها در حال ایجاد یک جایگزین دیجیتالی هستند که مشتریان را جذب کرده و در نتیجه بانک‌های سنتی را تحت فشار قرار می‌دهند.

با پیشرفت تکنولوژی، نئوبانک‌ها در حال حاضر به‌ویژه در اروپا در حال افزایش هستند (آبیشک و میشرا[[9]](#footnote-9)، 2019). تا سال 2019، نئوبانک‌ها حدود 40 میلیون کاربر را در سراسر جهان جذب کرده‌اند (گرین، 2019). اگرچه برخی از اولین بانک‌های دیجیتال در ایالات‌متحده شکل گرفت ولی اقبال عمومی و سرعت رشد آن در اروپا بیشتر بوده است (مدیسی تیم [[10]](#footnote-10)، 2019). یکی از دلایل اصلی ظهور نئوبانک‌ها به‌طور خاص در اروپا، انطباق مکانیزم نظارتی حمایتی‌تر در اتحادیه اروپا است که به فین‌تک‌ها کمک کرد تا جذب شوند. علاوه بر این، با چارچوب نظارتی جدید، پذیرش محصولات و خدمات نئوبانک به دلیل بهبود در دسترسی و امنیت افزایش یافت (مدیسی تیم، 2019). نئوبانک‌ها خود را به عنوان یک نوع جدید از بانک با هزینه کمتر و خدمات بانکی بهبود یافته که متناسب با سبک زندگی فردی هر فرد است معرفی می‌کنند (والیرو[[11]](#footnote-11) و همکاران، 2020). هیچ تعریف استاندارد و دقیق از این بانک‌ها وجود ندارد، معمولاً، از آن‌ها به عنوان استارت‌آپ‌های فین‌تک با رشد سریعی یاد می‌شود که با ارائه "ترکیبی از حساب‌های جاری، حساب‌های پس‌انداز و کارت‌های بدهی" به همتای دیجیتالی بانک‌های سنتی تبدیل می‌شوند (باربا[[12]](#footnote-12)، 2018). و درحالی‌که استارت‌آپ‌های معمولی فین‌تک اغلب بر روی یک راه‌حل تخصصی تمرکز می‌کنند، نئوبانک‌ها به دنبال ارائه ترکیبی از خدمات مالی هستند که آن‌ها را به یک جایگزین بالقوه برای بانک‌های سنتی تبدیل می‌کند. آن‌ها با "فناوری پیشرفته" خود، در صدد بازنگری در زمینه بانکداری در قرن 21 با کاهش نیازهای مدیریتی و بهبود انعطاف‌پذیری برای مشتریان هستند (FT Partners, 2020). نئوبانک‌ها خدمات کاملاً دیجیتالی شده را - عمدتاً از طریق برنامه‌های تلفن همراه - ارائه می‌کنند (پریتچارد[[13]](#footnote-13)، 2019).

نئوبانک فعالیت خود را با یک محصول نسبتاً ابتدایی شروع می‌کند که به مشتریان خود امکان انجام تراکنش‌ها یا پرداخت‌های ساده را می‌دهد. در مرحله دوم، آن‌ها خدمات خود را گسترش می‌دهند و محصول خود را با ویژگی‌ها و پیشنهادات جدید مانند بیمه، مبادله ارز یا ارزهای رمزنگاری شده ارتقا می‌دهند. از افتتاح حساب تا مدیریت آن، انجام تراکنش‌های بدون نقد، مبادله ارز یا استفاده از سایر خدمات پیچیده – خود بانکداری به‌طور کامل از طریق برنامه‌های دیجیتال مدیریت می‌شود. علاوه بر این، نئوبانک‌ها اغلب داده‌ها را از منابع مختلف جمع‌آوری می‌کنند تا به کاربران پیشنهادات محصول را ارائه دهند (پریتچارد، 2019). نئوبانک‌ها در اندازه‌ها و اشکال مختلفی وجود دارند. آن‌ها از نظر نحوه تنظیم، ارائه محصولات و خدمات و همچنین گروه مشتریانشان متفاوت‌اند (BBVA Research، 2016؛ مدیچی تیم، 2019). برخی از نئوبانک‌های موجود در ارائه خدمات برای صنایع خاص یا شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) مانند Neobank Starling بریتانیا تخصص دارند. اما بیشتر نئوبانک‌ها در بخش بانکداری خرده‌فروشی فعالیت می‌کنند و هدفشان ارائه خدمات به بخش بزرگ‌تری از جمعیت است (BBVA Research، 2016). برای مقاله خود، ما بر نئوبانک‌هایی تمرکز می‌کنیم که عمدتاً بخش خرده‌فروشی خصوصی را هدف قرار می‌دهند. از نظر طبقه‌بندی، نئوبانک‌ها را به سه خوشه تقسیم می‌کنیم.

نئوبانک‌ها از چندین جهت با بانک‌های سنتی متفاوت هستند. مزایای اصلی آن‌ها در چهار حوزه نهفته است که توسط هاپکینسون[[14]](#footnote-14) و همکارانش (2019) شناسایی شده‌اند: (1) تجربه مشتری: تجربه مشتری برتر در هسته ارزش پیشنهادی نئوبانک است. آن‌ها محصولات و خدمات مناسبی را ارائه می‌دهند که در هر زمان می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت. افتتاح حساب آنلاین در عرض چند دقیقه صورت می‌گیرد و رابط کاربری در برنامه‌های تلفن همراه ساده و شهودی است. علاوه بر این مشتریان از هزینه‌های کمتر در تراکنش‌ها و همچنین بدون کارمزد ماهانه بهره‌مند می‌شوند. (2) ویژگی‌های نوآورانه و ابزارهای مدیریت پول: برنامه‌های کاربردی ارائه‌شده توسط نئوبانک‌ها معمولاً در مقایسه با برنامه‌های بانک‌های سنتی، ویژگی‌ها و کنترل بیشتری بر پولشان به مشتریان می‌دهند. این موارد شامل اعلان‌های آنی در مورد هزینه‌ها، ابزارهای مدیریت پیشرفته پول و بینش، تقسیم صورت‌حساب یا ویژگی تنظیم پس‌انداز خودکار پول است. (3) چابکی و ساختار کم‌هزینه: نئوبانک‌ها قادرند ویژگی‌های جدید را با سرعت بیشتری به دلیل نبود شبکه شعب (شعب تعمیر و نگهداری بالایی دارند) و سیستم‌های قدیمی توسعه دهند. تمرکز بر فناوری به جای آجر و ملات، هزینه‌های عملیاتی را کاهش می‌دهد که به معنای کاهش هزینه برای مشتریان است. (4) شفافیت: هدف نئوبانک‌ها ارائه یک دید کلی از ساختار هزینه و کارمزد به مشتریان است. همچنین برخلاف بانک‌های سنتی، در مورد عملیات خود با مردم شفاف‌ترند و به شیوه‌ای مستقیم‌تر بدون استفاده از اصطلاحات پیچیده شرکتی ارتباط برقرار می‌کنند.

2-2. مناطق آزاد

منطقه آزاد تجاري، محدوده معیني از قلمرو يك كشور است كه خارج از محدوده قانوني، اداري و فیزيكي تأسیسات گمركي و معمولاً در محدوده يك بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با ساير نقاط جهان مجاز شناخته می‌شود. اين مناطق جهت‌گیری صادراتي دارند و ورود و خروج كالا و سرمايه و جابجايي نیروي كار متخصص در آن‌ها به سهولت صورت می‌گیرد (كريمي‌كيا و مقدم، 1391). اين مناطق با بهره‌گیري از تسهیلات و مشوق‌هايي نظیر حذف تعرفه‌هاي گمركي و سود بازرگاني، حذف مالیات براي تولیدكنندگان، حذف تشريفات زائد ارزي، رفع محدودیت‌های صادراتي و ايجاد تسهیلات در ورود و خروج اتباع خارجي، با جذب سرمايه‌گذاري خارجي و جذب فناوري مدرن به توسعه سرزمین اصلي كمك مي‌كنند (گوگردچيان و همكاران، 1389). مناطق آزاد بر حسب نوع فعالیت، به گونه‌هاي مختلفي تقسیم مي‌شوند كه هريك كاركرد خاص خود را دارند و از آن جمله مي‌توان به منطقه آزاد تجاري، منطقه آزاد صنعتي، منطقه آزاد تجاري - صنعتي، منطقه آزاد گمركي، منطقه آزاد گردشگري، منطقه آزاد شرکت‌ها، منطقه - پردازش صادرات، منطقه ممتاز صادراتي و منطقه ويژه اقتصادي، اشاره كرد (رهنورد، 1389).

در تبیین نسـل‌های مناطق آزاد در دنیـا، انواع آن را می‌توان به هفت مرحله مختلف تقسیم‌ کرد. اولین نسل از اواخر قرن 14 تا اواسط قرن 20 مراکز بازرگانی برای پـردازش کـالا ایجاد شدند که از آن به نسل تجارت محور یاد می‌شود و هنگ‌کنک و هامبورگ در این دوره پیشتاز بودند. در نسل تولید محور از سال 1945 تولید و پردازش به منظور صادرات آغاز شد که نمونه آن شانون در ایرلند است. نسل خدمات محور از سال 1970 آغاز شد که شامل خدمات مالی، بیمه، توریسم و ... می‌شد از جمله نمونه‌های این نسل شامل خدمات بانکی لوگزامبورگ، بیمه نیویورک، توریسم ماکائو را می‌توان نام برد. در نسل چهارم از سال 1990 که دانش مبنای مناطق بود با صنایع نوین، های‌تک با ریسک و سود بالا و خدمات تحقیقاتی در جهان تجلی یافت بینجیانگ چین نمونه بارز این دوره است. در نسل جامع تمامی فعالیت‌های تجارت، خدمات، تولید، تکنولوژی نمود داشتند که مانائوس، سنگاپور از جمله آن است. در نسل فرامرزی نقاط مشترک مرزی یا فرامرزی دو یا چند کشور با اعطای تسهیلات و معافیت‌های خاص و محدود فی‌مابین پا به عرصه ظهور نهادند که LAFTA و اوراسیا از آن جمله هستند در آخرین نسل تا به امروز نسل دیجیتال قرار دارد. مناطق تخصصی جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌های تکنولوژی بلاکچین ویژگی این نسل می‌باشد و زوگ سوییس نمود عینی این نسل است.

درحالی‌که تا سال 1975 تنها 79 منطقه آزاد و ویژه در 29 کشور وجود داشت در سال 2018 به بالغ بر 5400 منطقه در 147 کشور جهان افزایش یافت. بیشترین تعداد مناطق آزاد در چین (2543 منطقه)، فیلیپین (528 منطقه) و هند (373 منطقه) قرار دارد. كشورهاي آسیايي كه اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاري كردند در دو گروه قرار دارند. گروه اول كشورهايي هستند كه به اصول اقتصاد آزاد تمايل نشان دادند و بازار را به عنوان حاكم اصلي تخصیص منابع، معتبر شناختند. در موفقیت نسبي اين مناطق، سه عامل مورد توجه قرار گرفته است كه عبارتند از: - اتخاذ استراتژي مناسب صنعتي و اقدامات مطلوب در اين زمینه. - ايفاي نقش صحیح و قدرتمند دولت‌ها به عنوان حاكمان توسعه‌گرا كه با دخالت‌هاي قوي در اقتصاد و اعمال سیاست‌های مناسب، فعالیت‌های اقتصادي را نظم دادند و تقويت كردند. - محیط اقتصادي مطلوب بین‌المللی كه در زمان ايجاد اين مناطق (دهه‌هاي 1960 و 1970) تجارت جهاني به سرعت درحال رشد بود و بازارهاي كشورهاي صنعتي به روي كالاهاي تولیدي جهان رو به توسعه باز شده بود. كشورهاي كره جنوبي، سنگاپور و امارات متحده عربي در این گروه جای دارند. دومین گروه كشورهاي آسیايي، كشورهايي هستند كه در ابتدا تمايل چنداني به اقتصاد آزاد نداشتند. برخي از اين كشورها هم‌زمان با راهبرد جايگزيني واردات، اقدام به تأسیس مناطق آزاد كردند تا از آن به عنوان ابزاري براي حفظ اقتصاد دوگانه استفاده كنند. در نهايت بسیاري از اين كشورها نیز راهبرد تجاري خود را به سوي برونگرايي و توسعه صادرات تغییر دادند و از آن زمان، مناطق آزاد در اين كشورها توانستند نقش خود را در گشودن مرحله‌ای دروازه‌های اقتصاد به جهان خارج ايفا كنند. چین و هند از جمله این کشورها می‌باشند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، 1395).

جذب سرمایه‌های خارجي و داخلي، ايجاد فرصت‌های شغلي جديد، كسب درآمد ارزي و افزايش صادرات، دستیابي به فناوري پیشرفته (انتقال فناوري)، انتشار دانش، ارتقا و توسعه فعالیت‌های تولیدي با جهت‌گیری صادرات توسط سرمايه‌گذاري‌هاي خارجي و سرمایه‌های سرگردان داخلي، جذب نقدينگي سرگردان داخلي و كمك به مهار تورم، محرومیت‌زدایی از مناطقي كه امكان رشد و توسعه بالقوه دارند، تبديل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌هاي توسعه، افزايش کارایی اقتصاد ملي، اتصال تدريجي اقتصاد ملي به اقتصاد جهاني (برقراري ارتباط بین‌المللی)، افزايش درآمد عمومي، تنظیم بازار كار و كالا، حضور فعال در بازارهاي جهاني و منطقه‌ای، ارائه خدمات عمومي، صادرات مجدد و عبور خارجي، افزايش مهارت نیروي انساني به‌ویژه در زمینه مديريت واحدهاي صنعتي و بازاريابي در بازارهاي بین‌المللی، ايجاد ارتباط بین صنايع احداث شده در مناطق آزاد با صنايع داخلي و تحرک‌آفرینی در تولید داخلي از مهم‌ترین اهداف ايجاد مناطق آزاد در منابع مختلف ذکر شده است.

امروزه مناطق آزاد دنیا با ساختارهاي متفاوتي اداره می‌شوند كه مهم‌ترین آن‌ها شامل ساختارهای: دولتی، حاكميت دولت‌های محلي، كنسرسيوم، خصوصی و مشارکتی است. در ايران با شکل‌گیری دبیرخانه شوراي عالي مناطق آزاد، قانون چگونگي اداره مناطق آزاد تجاري - صنعتي در سال 1372 به تصويب رسید و هیئت‌وزیران نیز به استناد اصل يك‌صدوسي‌وهشتم قانون اساسي اختیارات خود (ناشی از قانون فوق‌الذکر) را به شوراي عالي مناطق آزاد تفويض نمودند. بر اساس ماده (5) قانون چگونگي اداره مناطق آزاد ايران، هر منطقه آزاد به صورت شخصیت حقوقي مستقل تشكیل می‌گردد و سرمايه آن متعلق به دولت است. بنابراين می‌توان مناطق آزاد ايران را در زمره ساختارهاي دولتي به حساب آورد (رفیعی، 1388). همچنین به موجب مواد (7) و (8) اين قانون، سازمان هر منطقه مجاز است با تصويب هیئت‌وزیران نسبت به تأسیس شرکت‌های لازم، طبق موازين قانون تجارت اقدام كند. سازمان و شرکت‌های تابع آن مجازند قراردادهاي لازم را با اشخاص حقیقي و حقوقي داخلي و خارجي منعقد كنند و با رعايت اصول قانون اساسي، با مشاركت سرمایه‌گذاران داخلي و خارجي به اجراي طرح‌های عمراني و تولیدي اقدام كنند.

3-2. مقررات پولي و بانكي در مناطق آزاد در کشور

بر اساس مفاد آیین‌نامه عملیات پولي و بانكي در مناطق آزاد تجاري - صنعتي، كلیه بانك‌هاي كشور و مؤسسات بانكي و اعتباري خارجي می‌توانند به تأسیس دفتر محلي خود اقدام كنند. ايجاد اين نمایندگی‌ها مستلزم پیشنهاد سازمان و تأيید بانك مركزي است و تأسیس واحدهاي مبادلات پولي و صرافي، تنها مستلزم دريافت اجازه‌نامه مخصوص از خود سازمان منطقه آزاد است. تأسیس بانك‌ها در منطقه، تنها به صورت شركت سهامي عام با سهام با نام و تأسیس مؤسسات اعتباري به صورت شركت سهامي خاص و يا عام و با سهام با نام، طبق مقررات مندرج در قانون اصلاح قسمتي از قانون تجارت – مصوب سال 1347 و به صورت زير امکان‌پذیر است:

* بانك‌هايي كه بیش از 51 درصد از سرمايه آن‌ها متعلق به بانك‌ها يا سازمان‌های دولتي ايران باشد.
* مؤسساتي كه سرمايه آن‌ها متعلق به اشخاص حقیقي يا حقوقي ايراني و خارجي باشد. برابر اين قانون حداقل سرمايه بانك‌هاي ايراني 35 میلیارد ريال تعیین شده است كه تمامي آن بايد به‌صورت نقد نزد بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران توديع شود و براي مؤسسات اعتباري ايراني اين رقم 15 میلیارد ريال تعیین شده است.
* براي شعب بانك‌ها و مؤسسات اعتباري خارجي حداقل سرمایه‌ای كه بايد نزد بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران توديع شود، 10 میلیارد ريال است.

بانك مركزي علاوه بر تدوين سیاست‌های پولي و اعتباري كشور براي بانك‌ها و مؤسسات اعتباري مناطق آزاد تمهیدات ويژه‌اي را به منظور تسهیل در امر سرمايه‌گذاري در اين مناطق فراهم آورده و ضوابط و معاملات ارزي بانك‌ها و مؤسسات اعتباري را به شرح زير قرار داده است:

* نظام ارزي منطقه آزاد، نظام نرخ شناور است و برابري ريال با ساير ارزهاي مختلف برحسب شرايط بازار و بر اساس عرضه و تقاضا تعیین و اعمال می‌شود.
* ورود ارز از منطقه آزاد به سرزمین اصلي از هر طريق و به هر شكل آزاد است، اما ورود ارز از سرزمین اصلي به منطقه آزاد تابع ضوابط و نظام‌های سرزمین اصلي است.
* نقل‌وانتقال ارز میان منطقه آزاد و ساير كشورها به هر شكل مجاز است.
* بانك‌ها می‌توانند با رعايت آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها، به ارائه خدمات ارزي، مانند برقراري روابط كارگزاري با ساير بانك‌ها، انجام امور اعتبارات اسنادي، بروات وصولي، ضمانت‌نامه و حواله بپردازند.
* دريافت سپرده‌های ارزي برحسب فهرست ارزهاي معتبر بانك مركزي ايران، خریدوفروش ارز به هر شكل و میزان انتشار و خریدوفروش اوراق قرضه، مشاركت و سرمايه‌گذاري با تأيید بانك مركزي، انجام معاملات بر روي طلا و نقره، دريافت انواع تسهیلات اعتباري و اعطاي اين اعتبارها، برحسب آیین‌نامه عملیات پولي و بانكي در مناطق آزاد تجاري صنعتي مجاز است.
* كارمزد عملیات بانكي، نرخ‌های خریدوفروش ارز، سود سپرده‌های مختلف و همچنین سود تسهیلات اعطايي بر اساس شرايط بازار روز معین می‌شود و صرافی‌ها تنها مجاز به خریدوفروش ارز، با نرخي كه بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، هستند. اما نقل‌وانتقال ريال و ارز از سوی صرافی‌ها بايد منحصراً از طريق سیستم بانكي و مؤسسات منطقه انجام گیرد.
* بانك‌ها و مؤسسات اعتباري منطقه همواره بايد بخشي از سپرده‌های خود را به میزاني كه بانك مركزي ايران تعیین می‌کند، به عنوان سپرده قانوني نزد اين بانك توديع كنند و میزان اين سپرده هیچ‌گاه از 20 درصد كل سپرده افزون‌تر نخواهد بود.

3-2. وضعیت مناطق آزاد و شبکه بانکی آن در کشور

سهم مناطق آزاد و ویژه ایران از صادرات غیرنفتی کشور در حدود 42% است (مناطق آزاد 2%، مناطق ویژه 12% و منطقه ویژه انرژی پارس 28%). این رقم برای چین 75%، فیلیپین 60%، مراکش 60 و امارات 40% است. مناطق آزاد کیش، قشم، چابهار، ارس، اروند، انزلی، ماکو و منطقه شهر فرودگاهی امام خمینی مناطق آزاد فعال کشور می‌باشند.

مجموع سرمایه‌گذاری داخلی انجام شده در مناطق آزاد و ویژه از سال 1394 الی شش ماهه 1401 حدود 546000 میلیارد تومان و مجموع سرمایه‌گذاری خارجی در دوره مذکور حدود 4600 میلیون دلار است.

*نمودار 1: سرمایه‌گذاری داخلی انجام شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی – میلیارد تومان*

*نمودار 2: سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی – میلیون دلار*

مجموع صادرات مناطق 1394 الی شش ماهه 1401 حدود 126 میلیارد دلار و مجموع واردات به مناطق در این دوره حدود 41 میلیارد دلار بوده است.

*نمودار 3: صادرات از مناطق در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی – میلیارد دلار*

*نمودار 4: واردات از مناطق در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی – میلیارد دلار*

جدول زیر عملکرد تراز تجاری مناطق را به تفکیک مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را ارائه می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود تراز تجاری مناطق ویژه در تمامی سال‌ها از 1394 به بعد مثبت بوده درحالی‌که تراز تجاری در مناطق آزاد در تمامی سال‌ها به استثنای 6 ماهه اول 1401 منفی بوده است. بیشترین تراز تجاری در این مناطق در سال 1396 به میزان 15811 میلیون دلار بوده است.

*جدول ۱. تراز تجاری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی- میلیون دلار*

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **1394** | **1395** | **1396** | **1397** | **1398** | **1399** | **1400** | **6-1401** |
| مناطق ویژه | 11401 | 15222 | 16689 | 11639 | 10463 | 6339 | 11111 | 5400 |
| مناطق آزاد | 858- | 889- | 878- | 278- | 518- | 220- | 10- | 140 |
| جمع | 10544 | 14333 | 15811 | 11361 | 9945 | 6119 | 11101 | 5540 |

4-2. وضعیت شبکه بانکی مناطق آزاد کشور

علیرغم آنکه تلاش‌های زیادی در زمینه توسعه و گسترش مناطق آزاد اقتصادی کشور صورت گرفته ولی برای یکی از زمینه‌های اساسی که توسعه شبکه بانکی در این مناطق است هنوز اقدام عملی برای استقرار بانک در این مناطق صورت نگرفته است. با وجود مفاد قانونی در جهت ایجاد بانک در این مناطق ولی به دلیل محدودیت‌های سرزمین اصلی هنوز بانک داخلی یا خارجی در این مناطق شکل نگرفته است. همچنین با وجود اینکه حضور بانك‌هاي خارجي می‌تواند به عنوان عاملي در جهت رشد و توسعه بانكداري سنتي ايران كه با عدم کارایی مناسب و فاصله بسیار با استانداردهاي جهاني مواجه است، محسوب شود، ولی به دلیل آماده نبودن بسترهاي حقوقي تأسیس بانك خارجي در كشور، در عمل هنوز بانک خارجی در این مناطق وارد عرصه فعالیت نشده است. در اين ارتباط، بانك‌هاي خارجي علیرغم منع قانوني براي تأسیس شعبه در كشور، در مناطق آزاد مجاز به تأسیس شعبه هستند. با وجود اين، تاكنون هیچ بانك خارجي در مناطق آزاد ايران حضور نیافته است. چرا كه بررسی‌های اين بانك‌ها حكايت از آن دارد كه تأسیس شعبه در اين مناطق، از توجیه مالي و اقتصادي برخوردار نیست. در اين زمینه، مهم‌ترین پیش‌شرط‌های حضور بانك‌هاي خارجي براي توسعه فعالیت‌های مالي در ايران، ايجاد بسترهاي لازم ازجمله گسترش و بهبود راه‌ها و وسايل ارتباطي، نزديك كردن سطح خدمات‌رساني بانك‌هاي داخلي به استانداردهاي جهاني و افزايش توان رقابتي آنان در مواجهه با بانك‌هاي خارجي است. در اين ارتباط تكنولوژي يك بانك بايد در حدي باشد كه بتواند در طرح‌های اجرايي كشور مشاركت كند. در حال حاضر بانک‌های کشور با استانداردهای جهانی هم‌خوانی ندارند درحالی‌که مناطق آزاد ملزم به رعایت استانداردهای بانکداری ویژه منطقه آزاد هستند. در قوانین مصوب کشور، اجازه تأسیس بانک و موسسه اعتباری ایرانی با سرمایه خارجی و اجازه افتتاح شعبه توسط بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری خارجی داده شد و با تغییراتی که در سیستم بانکی مناطق آزاد به وجود آمده شرایط برای اتصال به شبکه‌های مالی خارجی نیز فراهم شده است. این امر موجب سرعت بخشیدن به جذب سرمایه‌های خارجی در مناطق آزاد شده و زمینه را برای واقعی‌تر شدن جایگاه نظام بانکی، شناسایی و رفع اشکالات مرتبط با آن فراهم کرده است. چگونگی صدور مجوز تأسیس بانک‌های خارجی یکی از چالش‌هایی است که این بانک‌ها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با آن مواجه هستند. بر اساس آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی پیش‌بینی شده که تأسیس بانک و موسسه و افتتاح شعب بانک‌ها و مؤسسات اعم از ایرانی یا خارجی در مناطق موکول به پیشنهاد سازمان و صدور مجوز توسط بانک مرکزی است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فعالیت‌های تجاري و صنعتي بانك‌ها به‌عنوان يكي از محورهاي اصلي اقتصاد ايران و موتور محركه رشد و توسعه اقتصادي، نقش بسیار مهمي را در فعالیت‌های اقتصادي و سرمايه‌گذاري در مناطق آزاد دارند. افزايش اهمیت و کارایی مناطق آزاد در اقتصاد، موجب رشد روزافزون صادرات كالاهاي غیرنفتي می‌گردد و به دلیل اینکه کلیه معاملات و مراودات تجاري از طريق سیستم بانكي كشور صورت می‌گیرد، رعايت اين اصل كلي از الزامات برنامه‌هاست و بانك مركزي بايد با تسهیل مقررات بانكي جاري در مناطق آزاد و نیز اتخاذ تصمیمات راهبردي روشن و قابل حصول، زمینه را براي سرمايه‌گذاري بانك‌ها و ارائه خدمات متنوع بانكي فراهم كند. بنابراين، به نظر می‌رسد با تسهیل در امور بانكي در حوزه مناطق ويژه تجاري صنعتي، از يك طرف موجبات حمايت از صادركنندگان كالا و خدمات به نحو مطلوب فراهم شود و از طرف ديگر، باعث رشد سرمايه‌گذاري‌ها به مقدار مناسب بر روي امكانات و تأسیسات اصلي منطقه می‌شود. در واقع، با توسعه فیزيكي و مالي در مناطق آزاد، زمینه جذب سرمايه‌گذاري‌هاي كلان داخلي و خارجي فراهم می‌گردد.

با این وجود یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در مناطق آزاد نبود بانك خارجي و عدم امكان برقراري ارتباط بانكي سهل و آسان و همچنین نبود بانك‌ها، صندوق‌ها و ساير نهادهاي مالي به اندازه کافی و لازم است. همان‌گونه که اشاره شد اساسی‌ترین دلیل این شرایط، محدودیت‌های سرزمین اصلی در جهت مطابقت بانک‌ها با بانکداری اسلامی و قوانین کشور است. همچنین تاسیس بانک آفشور در مناطق مذکور ظرفیت قانونی به شرط تایید بانک مرکزی دارد و بانک مرکزی طی ۲۹ سال، علیرغم وجود متقاضیان متعدد و موافقت های اولیه، برای هیچ متقاضی واقعی هیچ مجوز فعالی برای این موضوع صادر نکرده است. موارد زیر از جمله دلایل عدم صدور مجوز مربوطه توسط بانک مرکزی است:

* ساختار بسته و امنیتی حاکم بر اقتصاد
* مدیریت غیراقتصادی بانک‌های داخلی و زیان‌ده بودن قریب به اتفاق بانک‌های دولتی
* نگرانی بانک مرکزی در خصوص خروج منابع از بانک‌های داخلی به آفشور
* عدم پذیرش وجود یک بانک با ضوابط فراتر از بانک مرکزی
* نظارت محدود بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانک آفشور مطابق ضوابط جهانی
* وجود ظرفیت سو تعبیر و عدم رعایت قانون به تشخیص کارشناس!
* عدم شناخت صحیح کارشناسان بانک مرکزی از کارکردها و مزیت‌های بانک آفشور
* بدنه‌ی کارشناسی بانک مرکزی مخالف ماهیت بانک آفشور
* عدم حمایت از اجرای این قانون در سطوح عالی
* بایگانی شدن دستورات رییس کل بانک مرکزی جهت اجرای قانون به تشخیص یک کارشناس در کنج یک اتاق دربسته!
* توان بسیار بالای لابی گری توسط بانک‌های داخلی
* رانت موجود در سطوح تصمیم گیری کلان متاثر از بانک‌های داخلی با محوریت بانک‌های دولتی که دارای شعب یا بانک‌های وابسته در خارج کشور می‌باشند.
* وجود متقاضیان متعدد، با توانمندی مالی مناسب ولی توان لابی‌گری نامناسب
* تمامیت‌خواهی متقاضیان
* عدم ایجاد اتحاد بین متقاضیان جهت تشکیل یک شبکه سرمایه‌گذار بسیار توانمند
* وجود یک مجوز غیرفعال بانک آفشور که عملا مسیر را به بن‌بست کشانده است
* ورود سازمان‌های مناطق به بانکداری !
* تمرکز بر ایجاد یک بانک آفشور شبه دولتی با مشارکت سازمان‌های مناطق، شرکت سرمایه گذاری خارجی ایران و ...
* سرمایه‌گذاران نامناسب برای بانک شبه دولتی در دست مذاکره با امکان تلقی داخلی بودن منشا سرمایه
* رقابت مخرب بین سازمان‌های مناطق جهت ایجاد بانک‌های متعدد!
* محیط ناامن اقتصادی جهت فعالیت‌های کلان بخش خصوصی بدون وابستگی دولتی
* امکان تحریم اشخاص سرمایه‌گذار علیرغم عدم امکان تحدید تراکنش‌های بانک آفشور

 ۴. پیشنهادهای کاربردی

برای رفع چالش شبکه بانکی در مناطق آزاد لازم است تا بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران علاوه بر ثبات قوانین و مقررات پولي، بانكي، صادرات و واردات و سرمايه‌گذاري در مناطق آزاد، با رعايت ضوابط پولي و بانكي مناطق آزاد، زمینه لازم برای ایجاد و توسعه نئوبانک‌ها منطبق با استانداردهای جهانی جهت ارائه خدمات مالی در مناطق آزاد فراهم نماید.

۵. فهرست منابع

كريمي‌كیا، ا. و مقدم، م. (1391). بررسي عوامل جذب سرمايه‌گذاري در منطقه آزاد اروند، مجله اقتصادی، سال دوازدهم، شماره 6 و 7.

گوگردچیان، ا.، طیبي، ك. و امیني، ف. (1389). اثر جريان ورودي سرمايه‌گذاري مستقیم خارجي بر صادرات غیرنفتي در مناطق آزاد تجاري ايران 1375 -1387. مجله سیاست‌گذاری اقتصادي، سال دوم، شماره 3.

رهنورد، ف. (1389). عوامل مؤثر بر عملكرد مناطق آزاد تجاري صنعتي ايران. فصلنامه فرآيند مديريت و توسعه، شماره 74.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس. (1395). فرا تحلیل مطالعات مناطق آزاد، دفتر مطالعات اقتصادی.

*Medici Team. (2019). Regulatory Framework: Gaps and Opportunities to Support Growth of Neobanks. Retrieved January 28, 2020, from Medici website:* [*https://gomedici.com/regulatory-framework-gaps-opportunities-to-support-growth-of-neobanks*](https://gomedici.com/regulatory-framework-gaps-opportunities-to-support-growth-of-neobanks)*.*

*Alt, R., & Puschmann, T. (2012). The Rise of Customer-Oriented Banking - Electronic Markets are paving the Way for Change in the Financial Industry. Electronic Markets, 22(4), 203–215.*

*Pritchard, J. (2019). What Is a Neobank (and Should You Try One)? Retrieved May 15, 2020, from The Balance website:* [*https://www.thebalance.com/what-is-a-neobank-and-should-youtry-*](https://www.thebalance.com/what-is-a-neobank-and-should-youtry-)*one-4186468*

*PwC. (2016a). Blurred Lines: How FinTech is shaping Financial Services. Global FinTech Report.*

*PwC. (2016b). Financial Services Technology 2020 and Beyond: Embracing Disruption.* [*https://doi.org/10.1061/ciegag.0001345*](https://doi.org/10.1061/ciegag.0001345)*.*

 *Giang Geschke, J.H., Lara Nadine, F., Min, B.H. (2019). The Rise of Neobanks, Master Thesis, copenhagen business school.*

*Committee on the Global Financial System. (2018). Structural Changes in Banking after the Crisis. Retrieved from* [*www.bis.org*](http://www.bis.org)*.*

*Arner, D. W., Barberis, J. N., & Buckley, R. P. (2016). The Evolution of Fintech: A New Post- Crisis Paradigm? Georgetown Journal of International Law, 47, 1271–1319.* [*https://doi.org/10.2139/ssrn.2676553*](https://doi.org/10.2139/ssrn.2676553)*.*

*Varga, D. (2018). Fintech: Supporting Sustainable Development By Disrupting Finance. Budapest Management Review, 8(11), 231–249.*

*Abhishek, K., & Mishra, V. (2019). Neobanks: A global Deep Dive.*

*Valero, S., Climent, F., & Esteban, R. (2020). Future Banking Scenarios. Evolution of Digitalisation in Spanish Banking. 2(1), 1–26.*

*Barba, R. (2018). 5 Questions to Ask Before Trying A Neobank. Retrieved May 14, 2020, from Bankrate website:* [*https://www.bankrate.com/banking/5-questions-to-ask-before-trying-aneobank*](https://www.bankrate.com/banking/5-questions-to-ask-before-trying-aneobank)*.*

*FT Partners. (2020). The Rise of Challenger Banks Are the Apps Taking Over? FT Partners Fintech Industry Research, (January).*

*BBVA Research. (2016). Neobanks: Creating a Digital Bank from Scratch. In Digital Economy Outlook.*

*Hopkinson, G., Klarova, D., Turcan, R. V., & Gulieva, V. (2019). How Neobanks’ Business Models challenge Traditional Banks. International Business Centre at Aalborg University, (August), 3.*

1. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد. gavami\_h@um.ac.ir؛ hadi.qavami@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. دکتری علوم اقتصادی، کارشناس پژوهشی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. fgrivani@gmail.com [↑](#footnote-ref-2)
3. Alt and Puschmann [↑](#footnote-ref-3)
4. Giang Geschke [↑](#footnote-ref-4)
5. information-intensive industry [↑](#footnote-ref-5)
6. Committee on the Global Financial System [↑](#footnote-ref-6)
7. Arner [↑](#footnote-ref-7)
8. Varga [↑](#footnote-ref-8)
9. Abhishek & Mishra [↑](#footnote-ref-9)
10. Medici Team [↑](#footnote-ref-10)
11. Valero [↑](#footnote-ref-11)
12. Barba [↑](#footnote-ref-12)
13. Pritchard [↑](#footnote-ref-13)
14. Hopkinson [↑](#footnote-ref-14)